

به نام خداوند جان و خرد

ایران‌شهر امروز

IRANSHAHR-e EMROOZ

A Persian Language Journal of Iranian Studies and Book Reviews

No. 5, January - March 2017

ایران‌شهر امروز

نشریه مطالعات ایرانی و نقد کتاب

سال اول، شماره پنجم: دی - اسفند ۱۳۹۵ [پیاپی ۵]

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی هنری معارف رایزن (حسین موسوی بجنوردی)
مدیر مسئول: مسعود سلطانی

سردبیر: سیدعلی آل داود



«گروه رایزن» به فردایی پایدار
برای محیط زیست می‌اندیشد.
کاغذهای استفاده‌شده در این مجله
دارای استاندارد بین‌المللی
«شورای سرپرستی جنگل» است
که با کد مخصوص در تارنمای
این شورا در دسترس است.

مشاوران علمی

سید علی آل داود

دکتر حسن انصاری

دکتر صادق سجادی

دکتر جواد طباطبائی

دکتر فتح الله مجتبیائی

ویراستار فنی: احسان موسوی خلخالی

مدیر اجرایی: اکرم هادیان

امور هنری و فنی: شیرین آذرپور

چاپ: چاپ و نشر نظر . صحافی: نگاه . لیتوگرافی: سعید کاوندی

نشانی

تهران، کامرانیه جنوبی، کوچه طاووس، پلاک ۱۰، طبقه اول

کدپستی: ۱۹۵۶۷۵۱۱۷۷

تلفن: ۲۲۲۹۹۵۴۴۹ . فکس: ۲۲۲۹۹۵۴۴۹

تارنما: www.iranshahrmag.com

ایمیل: info@iranshahrmag.com

مراکز پخش

کتاب‌فروشی‌ها: ققنوس

دکمه‌های مطبوعاتی: دنیای اقتصاد

رایزن





فهرست

۵	نوروز . منوچهری دامغانی
	مطالعات ایرانی
۹	نوروز در یک نگاه . دکتر علی بلوکباشی
۱۹	هخامنشیان در مصر . بهار رضائی باغبیدی
۲۶	آغاز پخش رادیویی به زبان فارسی . ناصرالدین پروین
۴۵	دین در حیات شخصی و اجتماعی . رکسانه هاگ - هیگوچی . ترجمه: منوچهر پزشک
۵۸	مهر ایران . مهدی جامی
	ادبیات معاصر
۷۵	آوازه‌خوان، نه آواز: نویسندگان بی‌کتاب . حسن میرعابدینی
۸۰	فروغ فرخزاد، اسطوره‌ای سترون . سایه اقتصادی‌نیا
	اندیشه و فرهنگ در جهان
۸۷	داستایفسکی به اختصار . توماس مان . ترجمه: دکتر سعید رضوانی
	نقد کتاب
۱۰۳	نقدی بر نقد چاپ‌های انتقادی شاهنامه . دکتر سجاد آیدنلو
۱۲۴	جادوی جن‌گشی . مصطفی حسینی
۱۳۰	ایران باستان در عصر شخامنشیان . شیما جعفری دهقی
۱۳۳	نقد کتاب فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی . جعفر شجاع کیهانی
۱۳۵	راهنمای کتیبه‌های فارسی میانه (پهلوی ساسانی) . شیما جعفری دهقی
	مطالعات اسلامی در جهان معاصر
۱۳۹	نگاهی اجمالی به قلمرو زبان آلمانی و ترجمه‌های قرآن مجید به این زبان . دکتر سید سعید فیروزآبادی
۱۴۹	تحقیقات جدید در حوزه حدیث شیعی . اتان کالبرگ . ترجمه: بهناز دهکردی
	اسناد و نسخ‌های خطی
۱۶۳	یکی از فواید تعیین شجره نسب دستنویس‌ها در تصحیح متن . محمود امیدسالار
	در جهان دانش و هنر
۱۷۱	بانک میراث ناپایدار ایران‌شناسی . دکتر محسن جعفری مذهب
۱۷۷	معرفی کتاب‌های تازه
۱۸۹	فهرست مندرجات سال اول



یکه از فواید تعیین شجره نسب دستنویس ها در تصحیح متن

محمود امیدسالار

دانشگاه ایالتی کالیفرنیا

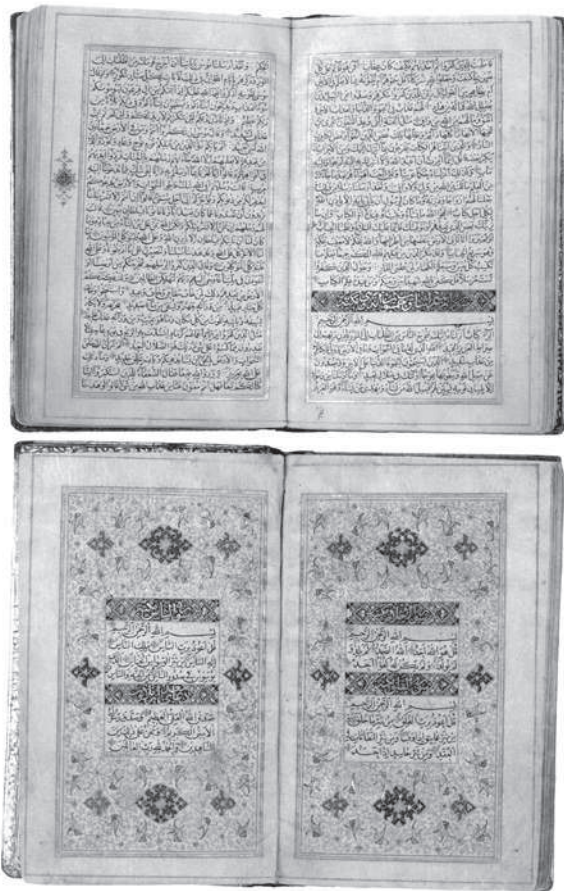
در بیشتر مقالات علمی و تکنیکی که به زبان فارسی دربارهٔ فنّ تصحیح نوشته شده، به لزوم دسته‌بندی دستنویس‌ها یا تعیین شجره‌نسب آنها تصریح شده است. فایدهٔ این دسته‌بندی‌ها یا معین کردن شجره‌نسب دستنویس‌ها ارزشیابی نسخ و بازشناختن دستنویس‌های معتبر از غیر معتبر و نیز حذف نسخ بی فایده است. مثلاً استاد نجیب مایل هروی در مبحث «نسخه‌شناسی تطبیقی» به این مطلب پرداخته (مایل هروی ۱۳۶۹، صص ۱۹۰ و ۱۹۸ با حذف برخی مطالب جنبی): «مقصود از نسخه‌شناسی تطبیقی این است که مصحح پس از فراهم آوردن نسخه‌های یک کتاب، نخست به تصفّح و تووّرّق آنها بپردازد و ویژگی‌های مشترک و مفترق آنها را ضبط کند. ... بر اثر بررسی‌ها و ارزشیابی‌ها ... مصحح می‌تواند نسخه‌های خطی از کتاب مورد نظرش را رده‌بندی و گروه‌بندی کند، نسخه‌های معتبر را بازشناسد و نسخه‌های نامعتبر و نُسخی را که از روی یک نسخه واحد استنساخ شده از دایرهٔ تصحیح آن کتاب خارج کند، و رشتهٔ تصرفات کاتبان را به دست آورد، و صورتی از کتاب را که مؤلف پرداخته است دریابد، و نسخه‌ها را با آن صورت قیاس کند و آن نسخه‌ای را که نزدیک‌تر به صورت مذکور باشد به عنوان نسخهٔ اساس برگزیند و زان پس به مقابلهٔ آن با دیگر نسخ، که اعتبار آنها بر مبنای بررسی‌های مذکور محقق و مسلم شده است، اقدام کند».

سپس در باب فایدهٔ نسخه‌شناسی تطبیقی مجدداً به قاعدهٔ حذف نسخ رونویسی شده (که در اصطلاح مصححان غربی از آن با عبارت لاتینی *eliminatio codicum descriptorum* یاد می‌شود) اشاره کرده و افزوده‌اند (همان، ص ۱۹۸): «[فایدهٔ بررسی ارتباط نسخ] این است که مصحح به اصل و نسب نسخه‌های کتاب مورد نظرش پی می‌برد، نسخه‌هایی را که بر اساس نسخه‌ای واحد استنساخ شده‌اند و از نظر تصحیح و صورت و معنای آن کتاب متضمن نکته‌ای کتاب‌شناسانه و زبان‌شناسانه نیستند از دور مقابله بیرون می‌برد، زیرا این دسته از نسخ نه تنها در تصحیح جایگاهی مؤثر ندارند، بلکه اگر به درستی شناخته نشوند احتمال دارد که مصحح را اغفال کنند، و در مواردی تصرفات کاتبان آنها - که بر اثر تصحیحات ذوقی اعمال شده است، و چه بسا که در مواردی از هیئت اصیل کتاب استوارتر بنمایند - به متن راه یابد و تصحیح را از قاعدهٔ علمی منحرف کند. علاوه بر آن ... گروه‌بندی نسخ بر اساس نسخه‌شناسی تطبیقی از یک سو تصحیح را دقیق‌تر می‌کند و علمی‌تر، و از دیگر سو برخی از نسخه‌های نامعتبر را از دایرهٔ مقابله و سنجش به در می‌برد؛ که خود این کار تصحیح را تسریع می‌کند و از تضییع وقت و حوصلهٔ مصحح جلوگیری می‌نماید».

استاد خالقی هم در باب بررسی نسخ برای تعیین اعتبار آنها و انتخاب ضبط صحیح، با تمرکز بر نسخ شاهنامه، نکات مهمی را متذکر شده‌اند

مطرح شده باشد - برای استفاده دانشجویان مورد بحث قرار دهد.

فرض کنید که نویسنده‌ای در قدیم الایام کتابی تألیف کرده و تألیف او صد صفحه یا پنجاه ورق دارد. این کتاب را می‌دهد به کاتبی تا برای او استنساخ کند. آن کاتب در هر صفحه استنساخ خودش یک غلط کتابتی مرتکب می‌گردد. بعداً از روی استنساخ اول، کاتب دیگری نسخه‌ای می‌نویسد و از روی استنساخ او نیز کاتب سومی نسخه‌ای کتابت می‌کند. اگر فرض کنیم که کاتبان بعدی نیز هر کدام در هر صفحه یک اشتباه مرتکب شده باشند، اما در عوض ۱۰ در صد از اشتباهات مادر نسخه خودشان را هم تصحیح کرده باشند، خواهیم دید که اولین استنساخ دارای ۱۰۰ غلط، اما دومین استنساخ دارای ۱۹۰ غلط خواهد بود. افزایش اغلاط کتابت دوم به این دلیل است که کتابت اول ۱۰۰ غلط داشته، کاتب دوم در کتابت خودش به آن ۱۰۰ غلطی که در مادر نسخه‌اش وجود داشته، ۱۰۰ غلط دیگر از خودش افزوده، اما در عوض ۱۰ درصد (یعنی ۱۰ مورد) از اغلاط مادر نسخه را نیز تصحیح کرده. پس در کتابت او باید (۱۰۰ + ۱۰۰ - ۱۰) برابر با ۱۹۰ غلط موجود باشد. کاتب سوم که از روی کتابت کاتب دوم، یعنی نسخه‌ای که ۱۹۰ غلط داشته، کتابت می‌کرده است، به نوبه خودش ۱۰۰ غلط دیگر وارد متن می‌کند، اما در عین حال ده درصد (یعنی ۱۹ مورد) از اغلاط مادر نسخه‌اش را هم تصحیح می‌کند. بنابراین کتابت او حاوی (۱۹۰ + ۱۰۰ - ۱۹) برابر با ۲۷۱ غلط خواهد بود. این مثال را فقط برای روشن کردن مطلب از کتاب یک محقق ایتالیایی نقل کرده‌ام (Trovato 2014, p.52) که قضیه را در نمودار زیر نشان داده است:

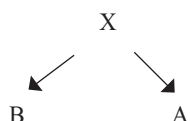


نسخه خطی قرآن، خط نیری

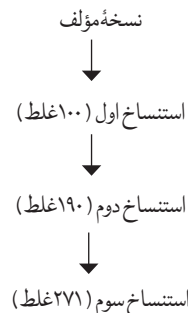
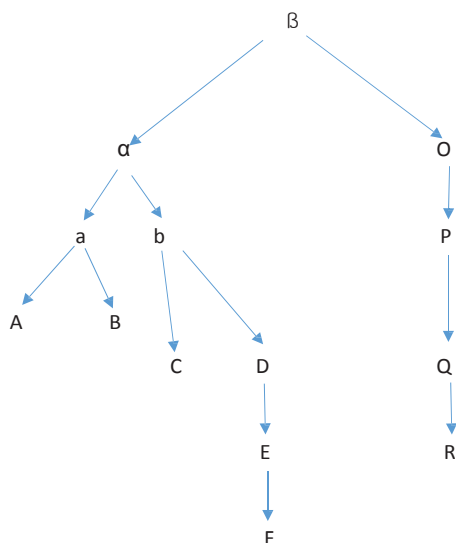
(نک، خالقی، ۱۳۹۰، صص ۲۲۷ - ۲۶۲). ازین دو بزرگوار گذشته، مرحوم تقی بینش، در یک مقاله دویخشی مفصل که بسیار ارزش خواندن دارد، می‌نویسد (بینش، ۱۳۵۴، بخش ۱، ص ۴۲۲): «تردید نیست که نسخه‌های خطی از روی هم نوشته می‌شده‌اند. بنابر این اگر به گذشته دور برگردیم می‌رسیم به چند نسخه معدود که، به اصطلاح نسخه‌شناسی، مادر نسخه بوده‌اند و نسخه‌های بعدی از روی آنها نوشته شده‌اند. مصحح باید نسخه‌هایی را که در اختیار دارد دسته‌بندی کند و تشخیص بدهد کدام به نسخه مادر نزدیک‌تر است یا کدام‌ها از یک مادرند. بدیهی است چون مادر بنابر قانون وراثت نقش مؤثری دارد، نسخه‌ای که مادر نسخه بهتری داشته باشد مقدم است».

این مطالب هم مهم است و هم از بدیهیات فن تصحیح به شمار می‌رود. اما بیشتر به‌صورتی انتزاعی مطرح می‌شود و به این خاطر، اهمیت آنها چنان که باید و شاید بر دانشجویان و مبتدیان این وادی معلوم نمی‌گردد. قصد نگارنده درین مقاله این است که یکی از جنبه‌های مهم بررسی و طبقه‌بندی نسخ را - که فکر نمی‌کنم پیش ازین به زبان فارسی

$(B \rightarrow A)$ و تاریخ کتابتش هم مؤخر بر تاریخ کتابت نسخه B باشد. درین صورت، A همه اغلاط نسخه B را خواهد داشت، منهای آنچه که کاتب A تصحیح کرده است، اما به علاوه حداقل یک اشتباه اضافی که از قلم کاتب نسخه A صادر شده است.^۲ احتمال دوم این است که دستنویس B از روی نسخه A کپی شده باشد ($A \rightarrow B$) که درین صورت B هم از نسخه A جواتر است، هم تمام اغلاط A را دارد (منهای آنچه که کاتب B تصحیح کرده) و هم اینکه حداقل یک غلط مخصوص به خودش در متن وارد کرده است. احتمال سوم این است که دستنویس‌های A و B از روی نسخه دیگری، که آن را دستنویس X می‌نامیم نوشته شده باشند. درین صورت این دو نسخه در اغلاطی که از اشتباهات شایعی که ممکن است برای هر کاتبی پیش بیاید نیستند، و نیز در افتادگی‌ها و اضافات متن بسیار شبیه یکدیگر خواهند بود و رابطه میان آنها را می‌توان به صورت زیر نشان داد (Maas 1958, pp.44-45):



در مورد فوق ممکن است که از مقابله دو دستنویس A و B با یکدیگر و حذف اغلاطی که کاتبان این دو نسخه مستقلاً مرتکب شده‌اند، صورت فرضی نسخه X را که مادر نسخه این دو دستنویس است، براساس توافق متن آنها بازسازی کرد. چون رابطه میان نسخه‌ها بسیار پیچیده‌تر از صورت فرضی و ساده‌ای است که ما برای سهولت فهم در مثال فوق آورده‌ایم، می‌توان آن را در نمودار زیر بهتر نشان داد. درین شجره نسب (یا به قول فرنگی‌ها stemma codicum) حروف لاتین بزرگ (capital letters) معرّف دستنویس‌های موجود، و حروف لاتین کوچک (lower case letters) و یونانی (مانند α و β) معرف



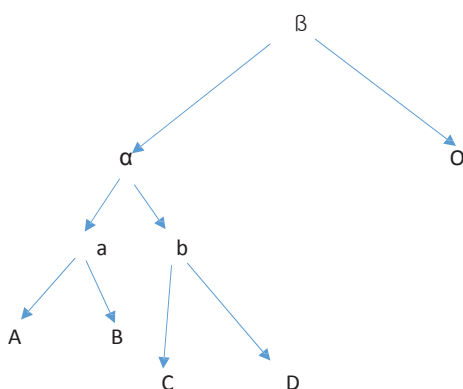
بدیهی است که این ارقام فرضی هستند و مخصوصاً سراسر است انتخاب شده‌اند تا فهم مطلب آسان‌تر شود. کسانی که با بررسی شجره نسب دستنویس‌ها آشنا نیستند می‌دانند که آنچه که در جهان واقعی رخ می‌دهد به این تمیزی و سراسر نیست، زیرا ورود اشتباهات کتابتی در نسخ پیچیده‌تر از این حرف‌هاست و نسخه‌ها به فساد از منابع جنبی هم بسیار مبتلا خواهند شد. اما منظور ما درین نوشته این است که ورود تحریف و تصحیف را در متن، در ساده‌ترین صورت خودش به خواننده نشان دهیم.

می‌توان این مدل پیشنهادی را کمی پیچیده‌تر، و در عین حال به واقعیت نزدیک‌تر کرد. فرض می‌کنیم که نسخه مؤلف از بین رفته است، اما دو دستنویس از آن در دست داریم که نمی‌دانیم به چند واسطه از نسخه مؤلف فاصله دارند. درین صورت، هدف ما بازسازی نسخه مؤلف نمی‌تواند بود، بلکه حدّ اکثر آنچه ممکن است بتوان بدان دست یافت این است که با مقابله متن این دو نسخه موجود و با به کار گرفتن منابع جنبی و اجتهادی، به متن مادر نسخه این دو دستنویس برسیم. یکی از این دو دستنویس باقی مانده را نسخه A و دیگری را نسخه B می‌نامیم.^۱ با توجه به آنچه گفتیم، رابطه میان این دو نسخه را می‌توان در سه احتمال بیان کرد: احتمال اول این است که نسخه A از روی نسخه B نوشته شده باشد

کسانی که با فنّ تصحیح آشنائی دارند، می‌دانند که یکی از اهمّ قواعد این فنّ، ترجیح ضبط کهن، یا ضبط دشوارتر بر ضبط آسان‌تر یا جدیدتر است.^۴ مثلاً در گرشاسپنامه (اسدی، ۱۳۵۴، ص ۳۲، بیت ۲۱۵) آمده است:

به یاد آمدم فز و فرهنگ اوی بزرگی و دیهیم و اورنگ اوی

درین بیت، هشت نسخه از نسخ موجود گرشاسپنامه که به چند سلسله‌نسب متعلق‌اند، همه در مصراع ثانی «دیهیم» ضبط کرده‌اند. اما اقدم نسخ کتاب، یعنی نسخه کتابخانه موزه توپقالپوسرای، به نشانه H ۶۷۴، درین مصراع به جای «دیهیم» کلمه «داهیم» را آورده است (اسدی ۱۳۹۴، ص ۱۰ = برگ ۴ پشت). این ضبط علی‌رغم منفرد بودن صحیح است و باید به متن برود زیرا در لغت فرس، که آن هم تألیف اسدی است، مدخل «داهیم» وجود دارد و اسدی در تعریف آن می‌گوید: «کَلَه بُوَد به جواهر مرصع کرده و اندر پیش ملکان داشتندی و گروهی گویند تاج است و این اولی‌تر و نزدیک‌تر



است. رودکی گفت: بیک گردش بشاهنشاهی آرد / دهد داهیم و طوق و گوشوارا (اسدی ۱۳۶۵، ص ۱۸۵ ذیل «داهیم»). در چنین مواردی که یک ضبط کهن و دشوار از ضبط ساده‌شده به آسانی قابل تشخیص است، طبق قاعده ترجیح ضبط دشوارتر، همان صورت باید به متن برود و این قضیه بر مصححین باتجربه روشن است.

اشکال وقتی پیش می‌آید که ضبط‌های گوناگون نسخ را نمی‌توان بر حسب دشواری، یا کهنه و نو بودن، طبقه‌بندی کرد. مثلاً اگر بیتی داشته باشیم که در ضبط‌های مختلف آن ترکیباتی از قبیل «تیغ رومی» یا «تیغ هندی» یا «تیغ چینی» به کار رفته باشد؛ یا مثلاً با بیتی سروکار داشته باشیم که در نسخ مختلف رنگ درفشی را «سرخ» یا «زرد» یا «سبز» توصیف کرده باشد. درین موارد، اگر قرینه دیگری در دست نباشد که برتری یکی از این صور ساده را بر دیگر ضبط‌ها نشان دهد، توجه به شجره نسب نسخه‌ها، مصحح را در انتخاب صورت محتمل‌تریاری خواهد کرد. مثلاً فرض می‌کنیم که اختلاف نسخ

مادرنسخه‌های از دست رفته‌ای هستند که وجود آنها را فقط بر اساس وجود دستنویس‌های مشتق از آنها می‌شود اثبات کرد (به نقل از Trovato 2014, p.59):

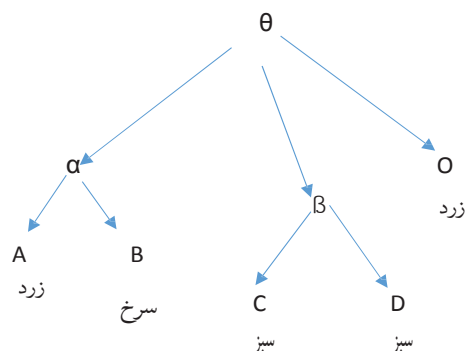
با توجه بدانچه گفتیم، در شجره‌نسب فوق نسخه‌های α و β و a و b و c از بین رفته‌اند اما موجودیت آنها از طریق مقابله متن دستنویس‌های $A, B, C, D, E, F, O, P, Q, R$ قابل اثبات است.

اینجاست که تعیین شجره‌نسب نسخ مورد استفاده در یک تصحیح می‌تواند کار مصحح را آسان کند. تعیین رابطه نسبی میان نسخ نه تنها اعتبار نسبی شاخه‌های مختلف شجره‌نسب دستنویس‌ها را معین می‌کند، بلکه چنانکه مصححین مسلمان در قدیم الایام و فرنگی‌ها در این اواخر ملتفت شده‌اند^۵، از مقابله نسخی که مادرنسخه آنها در دست است، هیچ فایده عملی در تصحیح فراچنگ نمی‌آید. بنابراین در شجره نسب فرضی فوق چون نسخه‌های R, Q, P از روی یکدیگر نوشته شده و متن آنها به نسخه O ، که در دست است، متکی است، و چون نسخ F, E نیز اصلاً از نسخه D به حاصل آمده‌اند، از مقابله این دستنویس‌ها فایده‌ای جز افزودن بر زحمت مصحح و اتلاف وقت او حاصل نمی‌شود. بنابراین مصحح می‌تواند دستنویس‌های R, Q, P و F, E را از شجره‌نسب فوق حذف کند. بعد از حذف دستنویس‌های استنساخ‌شده یا بی فایده، شجره نسب دستنویس‌های فرضی ما به صورت زیر کوتاه می‌شود:

و اما تعیین شجره نسب نسخ، علاوه بر حذف دستنویس‌های بی فایده و کشف اعتبار نسبی آنها، یک فایده مهم دیگر نیز دارد و آن این است که در مورد انتخاب ضبط‌های ساده به مصحح کمک می‌کند. این قضیه را می‌توان با مثالی روشن ساخت.

احتمال صحت «سبز» را تضعیف می‌کند. توضیح مطلب اینکه: چون هر سه شاخه دستنویس‌های ما از یک مادر نسخه، یعنی از دستنویس θ منشعب شده‌اند، احتمال صحت ضبط هر کدام از این سه شاخه $\frac{33}{100}$ (سی و سه درصد) است. یعنی نسخ α و β و O هر کدام $\frac{33}{100}$ احتمال صحت دارند. بنابراین احتمال صحت ضبط «سبز» که آن را بر اساس ضبط نسخ C و D در شعبه β بازسازی کردیم و از طریق این بازسازی به ضبط نسخه β رسیدیم $\frac{33}{100}$ بیش نیست. ضبط دستنویس α نامعلوم است، اما هر چه که بوده باشد، ارزشی بیش از $\frac{33}{100}$ ندارد. و اما احتمال صحت ضبط دو دستنویسی که از α منشعب شده‌اند، نیمی از احتمال صحت ضبط α است. بنابراین باید برای دو ضبط «سرخ» و «زرد» هر کدام شانزده و نیم درصد احتمال ($\frac{16}{5}\%$) معین کرد. چون ضبط نسخه O که تنها استنساخ باقی مانده از مادر نسخه اصلی است و معادل با ۳۳ درصد است و چون ضبط یکی از اخلاف نسخه α ، یعنی نسخه A نیز با ضبط نسخه O در شاخه مستقل آن نسخه هم‌خوان است، باید احتمال صحت ضبط نسخه A را که $\frac{16}{5}\%$ درصد است به احتمال صحت ضبط نسخه O که ۳۳ درصد است افزود. با این حساب، احتمال صحت ضبط «زرد» که وجه اشتراک دو نسخه O و α است به $\frac{49}{5}\%$ درصد ($= \frac{33}{100} + \frac{16}{5}\%$) بالغ می‌شود. حاصل سخن این که احتمال صحت ضبط نسخی که درین موضع به جای «سبز» یا «سرخ»، رنگ درفش پهلوان را «زرد» معین کرده‌اند از دیگر احتمالات بیشتر است و همان هم باید به متن برود. اما در هر حال، تمام این استدلال‌ات باید در حواشی تصحیح بیاید تا خوانندگان متوجه بشوند که چرا مصحح از میان سه ضبط سراسر است و قابل قبول که از نظر وزن و دیگر

در رنگ درفش فلان پهلوان است و شجره نسب که برای دستنویس‌هایمان ساخته‌ایم، وضع زیر را نشان می‌دهد (مثال با برخی تغییرات جزئی از Trovato 2014, p.61 اقتباس شده است):



اگر صورت θ را مادر نسخه هر سه شاخه دستنویس‌های موجود فرض کنیم، ازین سه شاخه فقط نسخه O باقی مانده و دو دستنویس دیگر، یعنی دستنویس‌های α و β ، ازین رفته‌اند. اطلاع ما در باب اینکه این دو دستنویس در قدیم الایام وجود داشته‌اند از طریق بررسی متن نسخه‌های A , B , C , D که از آن دو نسخه نابود شده منشعب شده‌اند به دست آمده است. در چنین مواردی مصحح نباید استدلال کند که چون ضبط‌های ساده و گوناگون «زرد» «سبز» و «سرخ» از نظر دشواری و قدمت بر یکدیگر ترجیحی ندارند و چون قرینه دیگری هم در دست نیست که کدامیک از آنها درست است، ناچار یا باید یکی ازین ضبط‌ها را، به قول عوام به شیوه «الابختکی»، برگزید و یا باید چنین استدلال کرد که: اولاً ضبط دستنویس از دست رفته β که یکی از سه شاخه اصلی را تشکیل می‌دهد بر اساس ضبط نسخه‌هایی که از روی آن کپی شده‌اند (یعنی نسخ C و D) قابل بازسازی است، و ضبط آن نسخه نیز کلمه «سبز» بوده است. ثانیاً چون ضبط «سبز» را یک اکثریت سه‌گانه (یعنی نسخ β , C و D) تأیید می‌کند، پس این ضبط بر دیگر ضبط‌های موجود برتری دارد. مصححی که این استدلال را دنبال کند به این نتیجه می‌رسد که در قیاس با ضبط «زرد» که با دو نسخه O و A تأیید می‌شود، و ضبط «سرخ» که فقط در نسخه B موجود است، ضبط سه نسخه β , C و D ، یعنی صورت «سبز» درین مورد ضبط اکثریت، و بر دیگر ضبط‌ها ارجح است. بر سبیل جمله معترضه عرض می‌کنم که علی‌رغم این که ضبط دستنویس β را می‌توان بر اساس توافق ضبط نسخه‌های C و D که از آن رونویسی شده‌اند بازسازی کرد، ضبط نسخه α درین مورد نامشخص است زیرا دو دستنویس A و B که از روی α کتابت شده‌اند، در مورد این لغت توافق ضبط ندارند.

این استدلال که ضبط «سبز» اکثریت دارد و به همین دلیل درست است، صحیح نیست زیرا شجره نسب که برای دستنویس‌هایمان معین کردیم

filiol lectio potior «ضبط دشوارتر ارجح است» و جملاتی مانند آن بیان می‌دارند (قس Metzger and Ehrman 2005, p.202; Foulet and Speer 1979, pp. 82-84).

خصوصیات شعری مزیتی بر یکدیگر ندارند، «زرد» را برگزیده و دیگر ضبط‌ها را به حاشیه برده است.

با توجه بدانچه گفتیم، تعیین شجره نسب دستنویس‌ها نه تنها در تعیین نسخه‌ها و شاخه‌های معتبر متنی مفید است، بلکه در گزینش ضبط‌های مختلف ساده نیز بسیار قابل استفاده است. اینکه یکی از بزرگ‌ترین و زبردست‌ترین مصححین متون لاتینی، عنوان سخنرانی معروف خودش را که در سال ۱۹۲۱ در انجمن مطالعات متون کلاسیک در دانشگاه کمبریج ایراد کرد «اعمال اندیشه بر تصحیح متن» معین کرد، ناظر بر لزوم این گونه تأمل در دقایق است (نگاه کنید به Housman 1961).

پانویس‌ها

۱. در انتخاب حروف لاتینی برای نشان دادن نسخ از رأی مرحوم علی اکبر قیاض پیروی شده است که به گزارش مرحوم تقی بینش به این دلیل در دومین چاپ تاریخ بیهقی نسخه‌ها را با حروف لاتین مشخص کرده بوده که «حروف فارسی یا عربی اغلب با هم اشتباه می‌شوند و حتی کم‌یا زیاد شدن نقطه در آنها مؤثر است ولی حروف لاتین به خصوص اگر با دقت انتخاب شوند این عیب را ندارند» (بینش ۱۳۵۴، بخش ۲، ص ۵۶۳).
۲. فرض یک اشتباه اضافی برای ساده کردن موضوع است و نیز بیان این مطلب که حداقل ممکن اشتباهی که کاتب نسخه A می‌تواند مرتکب شده باشد یک اشتباه است. اما چنانکه می‌دانید تعداد اشتباهات کاتبان معمولاً بسیار بیش از این حرف‌هاست.

۳. لاتینی بودن عبارت *eliminatio codicum descriptorum* یا معادل آن، *eliminatio codicum inutilium* که اولی به معنای «حذف دستنویس استنساخ شده» و دومی به معنای «حذف نسخه بی فایده» است، دلیل بر قدمت این تکنیک نیستند، زیرا چنانکه کنی (Kenney) نشان داده است این اصطلاحات در قرن تصحیح غربی جدید التأسیس و متأخرند (نگاه کنید به Kenney 1974, p.61 و قس Kleinhentz 1976, pp.23, 286; Bieler 1960, p.24; Greetham 1994, p.309; Thorpe 1972, pp.111, 123; Fellows 1998, pp.27-28; Edwards 1998, p.161 مخصوصاً بنگرید به مقاله متع مایکل ریو، Reeve 1989, pp. 1-35). این قاعده را با مثالی از نسخ گرشاسپنامه در مقاله بلندی که قرار است توسط مرکز میراث مکتوب منتشر شود، مورد بحث قرار داده‌ام.

۴. این قاعده را در اصطلاح فن تصحیح فرنگی با عبارت *di-*

منابع

اسدی طوسی، علی بن احمد (۱۳۵۴)، گرشاسپنامه، به اهتمام حبیب یغمائی، چاپ دوم، تهران: طهوری | همو (۱۳۶۵)، لغت فرس، به تصحیح و تحشیه فتح‌الله مجتبائی و علی‌اشرف صادقی، تهران، خوارزمی | همو (۱۳۹۴)، گرشاسپ نامه سروده علی بن احمد اسدی طوسی، نسخه برگردان به قطع اصلی از روی نسخه مصور کتابت ۷۵۵ قمری به خط حسن بن الحاج رکن الدین درج (۹)، به کوشش محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، تهران، سخن | بینش، تقی (پائیز ۱۳۵۴)، «روش تصحیح متون فارسی ۱»، نشریه دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۱۵، صص ۳۹۰-۴۲۶، (بخش دوم این مقاله در زمستان ۱۳۵۴ در شماره ۱۱۶ همان نشریه، صص ۵۶۱-۶۱۲ به چاپ رسید) | مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹)، نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

Bieler, Ludwig (1960?). "The Grammarian's Craft: A Professional Talk," *Folia*. Vol.10, No.2, pp. 3 - 42 | Edwards, A. S. G. (1998). "Manuscript and Text," in McCarren, V. and Moffat, T., editors (1998). *A Guide to Editing Middle English*. Ann Arbor: The University of Michigan Press, pp.159 - 168 | Fellows, Jennifer (1998). "Author, Author, Author . . . : An Apology for Parallel Texts," in McCarren, V. and Moffat, T., editors (1998). *A Guide to Editing Middle English*. Ann Arbor: The University of Michigan Press, pp.15 - 24 | Foulet, Alfred and Speer, Mary Blakely (1979). *On Editing Old French Texts*. Lawrence: The Regents Press of Kansas | Greetham, David C. (1994). *Textual Scholarship, an Introduction*. New York: Garland Publishing | Housman, Alfred E. (1921). "The Application of Thought to Textual Criticism," in *A. E. Housman Selected Prose*. Edited by John Carter. Cambridge: Cambridge University Press, pp.131 - 150 (Originally read as a paper to the Classical Association meeting at Cambridge on 4 August 1921) | Kenney, E. J. (1974). *The Classical Text: Aspects of Editing in the Age of the Printed Book*. Berkley: University of California Press | Kleinhentz, Christopher (1976). "Introduction," in *Medieval Manuscripts and Textual Criticism*. Edited by Christopher Kleinhentz. Chapel Hill, NC: North Carolina Studies in the Romance Languages and Literatures, pp. 19 - 25 | Maas, Paul (1958). *Textual Criticism*. Translated by Barbara Flower. Oxford: The Clarendon Press | Metzger, Bruce M. and Ehrman, Bart D. (2005). *The Text of the New Testament, Its Transmission, Corruption, and Restoration*. 4th Edition, Oxford: Oxford University Press | Reeve, Michael D. (1989). "Elimination codicum descriptorum: A Methodological Problem," in *Editing Greek and Latin Texts: Papers Given at the Twenty-Third Annual Conference on Editorial Problems, University of Toronto 6 - 7 November 1987*. Edited by John N. Grant. New York: AMS Press INC., pp.1 - 35 | Thorpe, James (1972). *Principles of Textual Criticism*. San Marino, California: The Huntington Library | Trovato, Paolo (2014). *Everything You Always Wanted to Know about Lachmann's Method: A Non-Standard Handbook of Genealogical Textual Criticism in the Age of Post-Structuralism, Cladistics, and Copy-Text*. Padova, Italy: ibreriauniversitaria.it edizioni.